

مرد دوازدهم اردیبهشت

زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید مطهری
رحیم نیکبخت



« آیا مطهری تنها یک اندیشمند بود؟ آیا او تنها می‌گفت و می‌نوشت و دستی از دور بر آتش داشت یا دانشمندی بود که در میدان قهرمانیهای عرصه مبارزه نیز شجاعانه وارد می‌شد و علم و عمل را به هم درآمیخته بود؟ مقاله حاضر با روشن کردن گوشه‌هایی از زندگی مبارزاتی استاد به این پرسش پاسخ می‌دهد.



انقلاب اسلامی در اثر تعامل میان مردم و روحانیت شیعه و در راس آن امام خمینی (ره)، به پیروزی رسید. ایشان به‌عنوان رهبر حرکت و نهضت اسلامی اعتراضات مردمی سراسری را به سمت وسوی تشکیل نظامی جدید براساس آرمانهای اسلامی - شیعی - سوق داد. در بررسی نقش افشار مختلف در پیروزی نهضت اسلامی، روحانیت مبارز و انقلابی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: نخست، رهبران فکری و فرهنگی هستند که شاگردان ممتاز امام (ره) بودند. در میان این دسته می‌توان به آیت‌الله دکتر شهید بهشتی، آیت‌الله دکتر مفتاح، حجت‌الاسلام دکتر باهنر، و سرانجام آیت‌الله استاد مطهری، اشاره کرد. دسته دوم علمای شهرستانها بودند که به جهت موقعیت اجتماعی و مذهبی و نفوذی که در شهرهای محل سکونت خود داشتند، نقش مهمی در انقلاب ایفا کردند. شخصیت‌هایی چون آیت‌الله شهید قاضی طباطبایی در آذربایجان، شهید دستغیب در فارس، آیت‌الله شهید صدوقی در یزد، آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی در کرمانشاه، آیت‌الله شهید مدنی در همدان و مرحوم آیت‌الله شیرازی در مشهد هریک مبارزات مهمی را در راستای نهضت اسلامی به رهبری امام انجام دادند. در مرتبه سوم، وعاظ و گویندگان انقلابی چون مرحوم حجت‌الاسلام فلسفی، شهید حجت‌الاسلام محلاتی، مرحوم حجت‌الاسلام حسینی

وزارت آموزش عالی، ضمن برقراری تماس مداوم با محیط دانشگاهی، دانشجویان و دانش‌آموزان، سعی کردند دغدغه معیشت را نیز از خود دور سازند و ضمناً فعالیت‌های فرهنگی خود را تحت لوای این مجموعه‌ها، به دور از محدودیتهای موجود پیگیری کنند. شهیدان دکتر بهشتی، دکتر باهنر، دکتر مفتاح و مطهری، همه از جمله شاگردان طراز اول امام بودند که در آموزش و پرورش و یا دانشگاه خدمت می‌کردند.

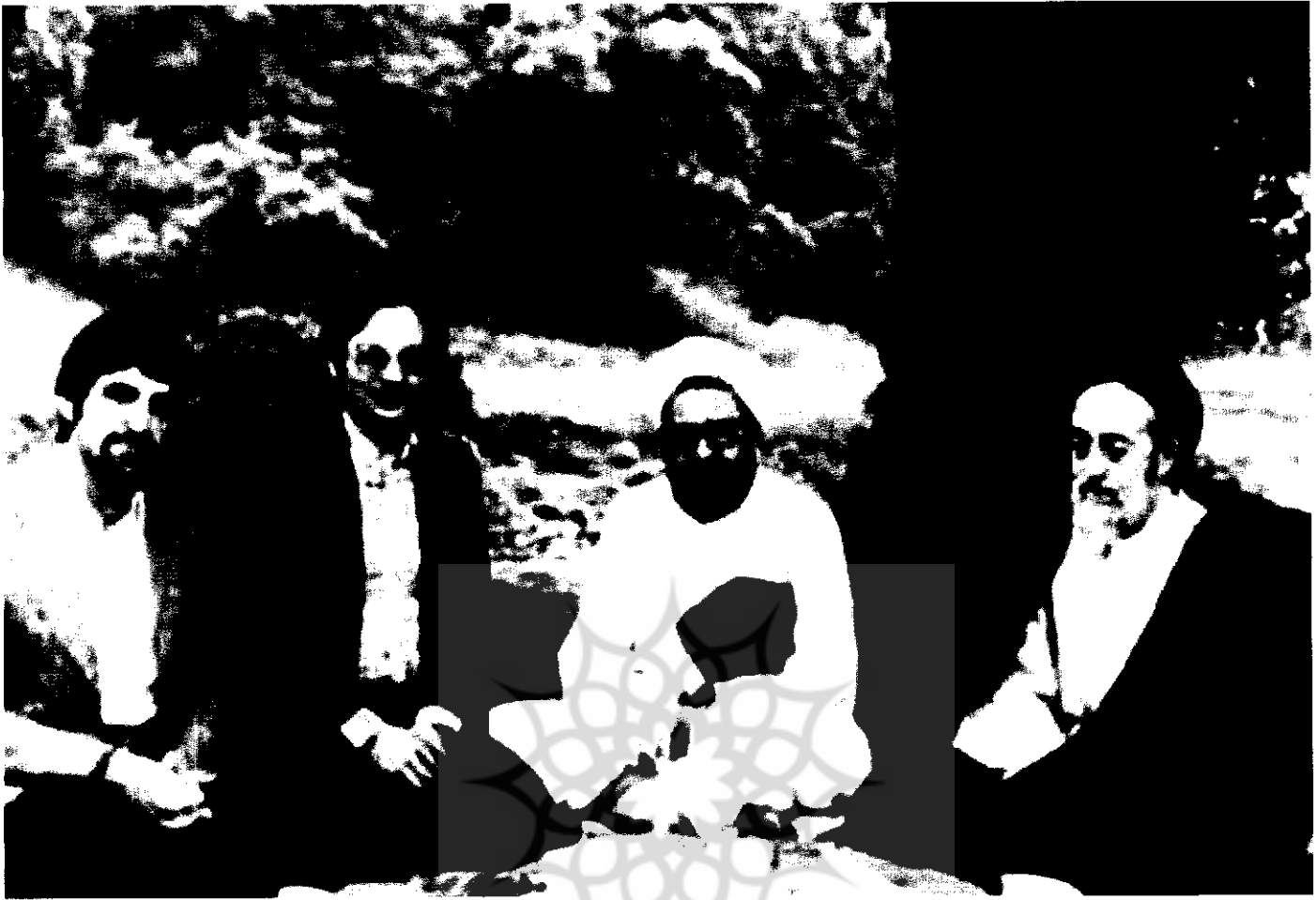
ویژگی دیگر این گروه، کسب تحصیلات دانشگاهی در کنار تحصیل علوم دینی در حوزه‌های علمیه بود. در واقع آنها با ورود به دانشگاه، کسب مدارج عالی علمی و اشتغال به تدریس در این مراکز، تصور تقابل علوم جدید با علوم دینی و حوزوی را منتفی کردند. در این مقام و موقعیت بود که شخصیت‌هایی چون استاد مطهری و دکتر مفتاح توانستند در مراکز علمی در جمع جوانان مستعد، اندیشه ناب اسلامی را ترویج نمایند.

در بررسی‌هایی که پیرامون انقلاب اسلامی صورت گرفته است، متأسفانه نقش این دسته در بسترسازی فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی مورد غفلت قرار گرفته و یا با اجمال و اختصار از آن گذشته‌اند. در این نوشتار، با سیری کوتاه در زندگانی و مبارزات سیاسی - فرهنگی آیت‌الله شهید مطهری، فرازهایی مهم از مبارزات او مطرح خواهد شد.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سیزدهم بهمن سال ۱۲۹۸ ش در قریه فریمان واقع در هفتادوپنج کیلومتری شهر مشهد در خانواده‌ای مذهبی و روحانی به دنیا آمد. وی پس از طی تحصیلات اولیه در مکتب، به فراگیری دروس ابتدایی پرداخت و از سن دوازده‌سالگی در حوزه علمیه مشهد به تحصیل علوم دینی مشغول گردید.^۱ مطهری در سال ۱۳۱۶ ش در شرایط مبارزه شدید حکومت پهلوی با روحانیت و مظاهر اجتماعی اسلامی، به‌منظور تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه

همدانی، حجت‌الاسلام شجونی، معادپخواه و... قرار دارند که با زبان گویای خود تاثیر قابل توجهی در بیداری افکار عمومی جامعه داشتند. دسته چهارم نیز انجمن جماعات هستند که در مساجد محل خود تاثیرگذار بودند.

در میان این چهار دسته، ضمن آن که هر کدام ویژگیها و تاثیر خاصی دارند، گروه نخست به جهت تولید فکر و اندیشه و بسترسازی فرهنگی لازم برای انقلاب و دگرگونی، از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. این دسته، در کنار مبارزات سیاسی علیه حکومت، شیوه جدیدی را در راستای مبارزه به کار گرفتند. آنان با ایجاد تغییر در ماهیت و کارایی وعظ و خطابه، به مبارزه صبغه فرهنگی دادند و در یک حرکت بی‌سابقه «تیز روحانیت غیرحرفه‌ای»^۲ را مطرح کردند؛ به این صورت که با انتخاب شغل آموزشی و فرهنگی در آموزش و پرورش یا



علمیه قم شد. او در دوران اقامت پانزده ساله خود در قم از درس فقه و اصول آیت‌الله‌العظمی بروجردی استفاده کرد؛ همچنین به مدت دوازده سال از محضر امام خمینی (ره) فلسفه ملاصدرا، عرفان، اخلاق و اصول را آموخت، تاجایی که از شاگردان خصوصی امام به حساب می‌آمد.^۲

مطهری، پس از امام، به درس فلسفه علامه طباطبایی - صاحب تفسیر المیزان - منتقل شد. ایشان نهج البلاغه را نزد آیت‌الله علی‌آقا شیرازی فراگرفت.^۳ از اساتید دیگر وی می‌توان به آیت‌الله‌العظمی حجت کوه کمره‌ای در اصول و آیت‌الله محمد محقق داماد در فقه اشاره کرد.^۴ آیت‌الله مطهری پس از تکمیل تحصیلات خود در سال ۱۳۳۱ به تهران منتقل شد. وی ابتدا در مدرسه سپهسالار و سپس در مدرسه مروی به تدریس پرداخت. ایشان در همین ایام، مقدمه و پاورقی بر جلد اول اصول فلسفه و روش رئالیسم را به پایان رساند و در سال ۱۳۳۴ فعالیت علمی خود را در دانشکده الهیات و معارف اسلامی آغاز کرد.^۵ از این پس، وی در قالب ایراد سخنرانی و نگارش کتاب، همکاری گسترده‌ای را با مجامع اسلامی و کانونهای مذهبی پی گرفت. پس از تشکیل انجمن پزشکان در سالهای ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸، مطهری سخنران اصلی جلسات این انجمن بود و این همکاری در سالهای بعد نیز همچنان ادامه یافت.^۶

آغاز فعالیتهای سیاسی - فرهنگی استاد مطهری را بایستی از سال ۱۳۳۷ دانست؛ زیرا در این سال بود که شهربانی^۷ و ساواک^۸ هر دو برای ایشان تشکیل پرونده داده و اعمال، گفتار و کردار وی را به واسطه مأموران خود تحت مراقبت قرار دادند. شهید مطهری از همان آغاز در جریان نهضت اسلامی به رهبری مراجع و در راس آنها امام خمینی - در سال ۱۳۴۱ - به‌طور فعال حضور داشت. پس از واقعه دوم فروردین سال ۱۳۴۲ و حمله نیروهای امنیتی و انتظامی حکومت پهلوی به مدرسه فیضیه قم و مدرسه طالبیه تبریز، تعداد زیادی از طلاب دستگیر و به سرسازی اعزام شدند. در مدتی که این طلاب در پادگان باغ شاه تهران به سر می‌بردند، مطهری به دیدار آنها می‌رفت.^۹ ادامه فعالیتهای او ساواک را بر آن داشت تا به وی در این خصوص تذکر دهد.^{۱۰} مرتضی مطهری جزو اولین افرادی بود که پس از سرکوب خونین قیام پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ بازداشت شد. این قیام در پی انتشار خبر دستگیری امام خمینی صورت گرفت.^{۱۱} دستگیری و زندانی شدن علما و وعاظ^{۱۲} تا پانزدهم مرداد همان سال ادامه یافت.^{۱۳} مطهری همزمان با این وقایع با هیاتهای مولفه اسلامی رابطه نزدیکی برقرار کرد؛ ضمن آن که از دوره ملی شدن نهضت نفت با فدائیان اسلام نیز در ارتباط قرار گرفته بود.^{۱۴} آیت‌الله مرتضی مطهری به دستور امام عهده‌دار رهبری و

هدایت هیاتهای مولفه گردید.^{۱۵} فعالیتهای او پس از زندان به تبلیغ و سخنرانی در مساجد مشهور تهران - مسجد هدایت، مسجد جامع نارمک و مسجد اتفاق - متمرکز شد؛ و این در حالی بود که ساواک کنترل و مراقبت شدیدی از سخنرانیهای او به عمل می‌آورد. سخنرانیهای روشنگرانه مطهری به تهران محدود نمی‌شد بلکه ایشان در شهرهای متعدد به‌ویژه در دانشگاهها از جمله دانشگاههای تبریز، شیراز و نفت آبادان، سخنرانیهایی ایراد می‌کرد که از سوی دانشجویان مورد استقبال قرار گرفت.^{۱۶} از جمله اقدامات مهم و تاثیرگذار شهید مطهری، می‌توان به تاسیس موسسه خیریه تعلیماتی و تحقیقات علمی و دینی حسینیه ارشاد به همراه ناصر میناجی و محمد همایون در بیست‌وهشتم فروردین ۱۳۴۶ اشاره کرد.^{۱۷} گرداننده اصلی حسینیه ارشاد استاد مطهری بود. بعدها دکتر علی شریعتی نیز به حسینیه وارد شد و با حضور آن دو، این مکان رونق خاصی گرفت و مخاطبان اصلی و شرکت‌کنندگان آن نیز اغلب جوانان و دانشجویان بودند.^{۱۸} باین همه، خطمشی گردانندگان حسینیه ارشاد به گونه‌ای بود که استاد علیرغم آن که از بنیان آن به شمار می‌رفت، ناچار به کناره‌گیری از آنجا شد.^{۱۹} به دنبال حمله نیروهای اسرائیلی به مردم بی‌دفاع فلسطین و اخراج تعداد زیادی از مردم مظلوم در

سال ۱۳۴۹، مطهری به همراه علامه طباطبایی و آیت الله موسوی زنجانی شماره حسابهایی جهت کمک به جنگ‌زدگان افتتاح نمودند^{۲۱} که حساسیت فوق‌العاده ساواک را برانگیخت؛ چنان‌که به طرق مختلف سعی در تهدید و ارعاب او داشتند؛ از جمله آن‌که پس از شهادت آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی^{۲۲} در زندان، ساواک تهران او را احضار کرد و صورت جلسه‌های متناقض مقامات زندان را در مورد علت مرگ آیت‌الله سعیدی به وی نشان داد تا بدین وسیله تفهیم کنند که اگر از فعالیتهای خود دست بردارد، دچار چنین سرنوشتی خواهد شد.^{۲۳} در ادامه ایجاد این محدودیتها، ساواک در بیست و ششم دی‌ماه ۱۳۴۹ طی ابلاغی به رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دستور داد ایشان را از ادامه تدریس معاف کنند؛^{۲۴} ضمن آن‌که کلیه فعالیتهای وی چه در تهران و چه در شهرستانها به‌طور کامل تحت کنترل قرار گرفت و^{۲۵} با نزدیک تر شدن موعد برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ساله شاهنشاهی، این مراقبت و کنترل هرچه بیشتر تشدید گردید.^{۲۶} باین وجود، مطهری همچنان به سخنرانیهای متعدد خود در مساجد انجواد و هدایت ادامه داد؛ که البته هر دو مسجد در سال ۱۳۵۱ تعطیل شدند. ساواک در پی احساس خطر از جانب حسینیه ارشاد، محل مذکور را نیز تعطیل کرد. متعاقب این تعطیلی، تعدادی از جوانان و دانشجویان مسلمان در مقابل درب بسته حسینیه ارشاد دست به تظاهرات زدند که به دستگیری هفده نفر از آنان و از جمله استاد مطهری منجر گردید.^{۲۷} ایشان پس از تحمل مدتی حبس و بازجوییهای مفصل، سرانجام آزاد شد. اما این دستگیری و حبس او را از فعالیتهایش باز نداشت و ایشان پس از آزادی همان رویه سابق خود را ادامه داد. شهرت و اعتباری که سخنرانیهای او پیدا کرده بود، باعث می‌شد وی جهت ایراد سخنرانی به شهرستانهای متعددی دعوت شود.^{۲۸} در ادامه این فعالیتهای او که ساواک ایشان را ممنوع‌المنبر کرد و^{۲۹} پس از مدتی، به همکاری علمی و آموزشی وی - به‌عنوان رئیس دپارتمان فلسفه دانشکده الهیات - نیز خاتمه داده شد.^{۳۰} شهید مطهری در سال ۱۳۵۵ در مسافرتی به نجف اشرف موفق شد با حضرت امام (ره) دیدار کند. این اقدام با توجه به حساسیت ساواک، در نوع خود کار بسیار خطرناکی بود.^{۳۱} همچنین مطهری در طی سالهای ۱۳۵۵-۱۳۵۷ در اکثر جلسات روحانیون مبارز در تهران، شرکت موثر و محوری داشت. این جلسات پایه و اساس جامعه روحانیت مبارز تهران را شکل داد.^{۳۲} سازمان مجاهدین خلق در سال ۱۳۵۴، که تا آن زمان خود را یک گروه مبارز اسلامی مطرح کرده بودند، علنا طی اعلام مواضع استراتژیک جدید، خط‌مشی کمونیستی را برگزیدند و از آن پس مخالفت اصولی و اساسی با آنها نیز در دستور کار شهید مطهری قرار گرفت.

شهادت آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی پس از دوره‌ای رکود در روند نهضت اسلامی، به‌تبع تبعید امام خمینی (ره)، به حرکت این نهضت شتاب بخشید و مبارزان مسلمان را به تجدید یاد و خاطره و نام رهبر دور از وطن نهضت واداشت. آیت‌الله مطهری در برپایی

مجالس باشکوه ختم حاج مصطفی نقش بارزی ایفا کرد و از آن جمله در هشتم آبان ۱۳۵۶ مراسم باشکوهی را در مسجد ارک تهران برگزار نمود.^{۳۳} اهانت روزنامه اطلاعات به مقام مرجعیت شیعه و ساحت امام خمینی در هفدهم دی‌ماه همان سال، قیام نوزدهم دی را توسط طلاب و مردم قم به بار آورد.^{۳۴} چهلم شهدای قم، تبریز را به صحنه حرکت گسترده‌تری تبدیل کرد.^{۳۵} دهم فروردین تظاهرات مردم یزد به مناسبت چهلم شهدای قیام مردم تبریز توسط نیروهای انتظامی و نظامی به خون کشیده شد. حلقه‌های شتاب‌زای انقلاب یکی پس از دیگری به‌وقوع پیوست. حمله به منزل علما در نوزدهم اردیبهشت، سالگرد قیام پانزدهم خرداد، تحریم عید نیمه‌شعبان از سوی رهبری نهضت، شروع ماه مبارک رمضان، نماز عیدفطر در تپه‌های قیطریه، کشتار مردم تهران در میدان ژاله و دهها واقعه خونین دیگر در سراسر کشور، ایران را در آستانه انقلاب قرار داده بود. استاد مطهری به‌عنوان یکی از ارکان جامعه روحانیت مبارز نقش مهمی در هدایت این حرکت عمومی داشت. با اوج‌گیری حرکت‌های اعتراض‌آمیز، حکومت بعثی عراق به اشاره حکومت ایران اقداماتی را جهت جلوگیری از فعالیتهای مبارزاتی سیاسی امام در نجف فراهم آورد که خشم و اعتراض شدید مردم و روحانیت مبارز را برانگیخت.^{۳۶} پس از عزیمت امام خمینی (ره) به فرانسه تلگرافی از سوی جمعی از روحانیون تهران خطاب به رئیس‌جمهور این کشور مبنی بر برخورد احترام‌آمیز با رهبر انقلاب مخابره شد که نام استاد نیز در جمع امضاکنندگان تلگراف بود.^{۳۷} در وضعیت جدید، زمینه ارتباط بیشتری میان امام خمینی و مبارزان مسلمان فراهم آمد. چندماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، استاد مطهری برای برنامه‌ریزی و هماهنگی با رهبر انقلاب راهی فرانسه شد. امام مسئولیت تشکیل شورای انقلاب را به ایشان واگذار کرد تا زمینه مساعد برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم آید. پس از بازگشت مطهری، آیت‌الله دکتر بهشتی نیز راهی فرانسه شد.^{۳۸} در جریان اعتصابات گسترده در دوران انقلاب، تلاشی جهت تولید نفت برای مصارف داخلی توسط هسته هدایت نهضت صورت گرفت که استاد مطهری نقش موثری در این تلاش داشت.^{۳۹} دولت شاپور بختیار پس از روی کار آمدن دستور داد فرودگاه‌های کشور بر روی پروازها بسته شود. در اعتراض به جلوگیری از بازگشت امام خمینی به کشور، روحانیون مبارز در مسجد دانشگاه تهران متحصن شدند. طراح اصلی این اقدام استاد شهید مطهری بود.^{۴۰} با قطعیت یافتن بازگشت امام خمینی به میهن، مطهری به همراه شهید حجت‌الاسلام محلاتی و شهید دکتر مفتاح شوری مرکزی کمیته استقبال از رهبر انقلاب اسلامی را به‌وجود آورد.^{۴۱} سرانجام پس از سالها انتظار، هواپیمای حامل امام خمینی در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست. شهید مطهری و آیت‌الله پسندیده اولین کسانی بودند که در داخل هواپیما به ایشان خیرمقدم گفتند.^{۴۲} متن خوشامدی هم که در فرودگاه مهرآباد در حضور امام خوانده شد، به قلم مطهری بود.^{۴۳}

از جمله اقدامات مهم و تاثیر گذار شهید مطهری، می‌توان به تاسیس موسسه خیریه تعلیماتی و تحقیقات علمی و دینی حسینیه ارشاد به همراه ناصر میناچی و محمد همایون در بیست و هشتم فروردین ۱۳۴۶ اشاره کرد. گرداننده اصلی حسینیه ارشاد استاد مطهری بود. بعدها دکتر علی شریعتی نیز به حسینیه وارد شد و با حضور آن دو، این مکان رونق خاصی گرفت و مخاطبان اصلی و شرکت‌کنندگان آن نیز اغلب جوانان و دانشجویان بودند

دولت شاپور بختیار پس از روی کار آمدن دستور داد فرودگاه‌های کشور بر روی پروازها بسته شود. در اعتراض به جلوگیری از بازگشت امام خمینی به کشور، روحانیون مبارز در مسجد دانشگاه تهران متحصن شدند. طراح اصلی این اقدام استاد شهید مطهری بود. سرانجام پس از سالها انتظار، هواپیمای حامل امام خمینی در فرودگاه مهرآباد به زمین نشست. شهید مطهری و آیت‌الله پسندیده اولین کسانی بودند که در داخل هواپیما به ایشان خیرمقدم گفتند. متن خوشامدی هم که در فرودگاه مهرآباد در حضور امام خوانده شد، به قلم مطهری بود

امام خمینی پس از ورود به ایران در دوازدهم بهمن سال ۱۳۵۷ به بهشت زهرا رفت. قبل از سخنرانی تاریخی حضرت امام، آیت‌الله مطهری نطق کوتاهی ایراد کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی در بیست و دوم بهمن، شهید مطهری نقش حساسی را در تشکیل کمیته‌های انقلاب ایفا نمود.^{۴۴} تلاشهای بی‌وقفه و شبانه‌روزی ایشان تا لحظه شهادتش در یازدهم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۵۸ همچنان ادامه داشت. وی در طول سالها مبارزه سیاسی و فرهنگی یکی از فعالترین و پرکارترین شخصیت‌های اصیل اسلامی بود که آثار متعددی را در عرصه‌های مختلف، با توجه به نیاز روز و ضرورت‌های اجتماع، بر جای گذاشت. تمام آثار او که همگی در پاسخ به مقتضیات جامعه بود، در قالب صدها سخنرانی، بحث علمی، کتاب و مقاله بر جای مانده است. وی به هنگام شهادت، یکی از اعضای برجسته شورای انقلاب بود. استاد مطهری (ره) پس از پایان جلسه‌ای که در منزل آقای سبحانی برگزار شده بود، توسط گروه مشکوک فرقان مورد سوء قصد قرار گرفت و به شهادت رسید.^{۴۵}

پی‌نوشت‌ها

- ۱- برای اطلاع بیشتر رک به: رحیم نیکبخت، نگاهی به زندگانی و مبارزات شهید آیت‌الله دکتر مفتح، اندیشه‌های دکتر مفتح، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، زیر چاپ.
- ۲- مجله پاسدار اسلام، شماره مسلسل ۱۱۳، اردیبهشت ۱۳۷۰، ص ۳
- ۳- محمدحسن رحبی، زندگینامه سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۰
- ۴- مجله بعثت، نوزده دی، سال سوم شماره مسلسل ۹۰، ۲۷/۶/۱۳۷۷، ص ۴
- ۵- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سوم، ۱۳۷۲، صص ۹۰، ۱۰
- ۶- سیری در زندگانی استاد مطهری، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، صص ۵۰، ۵۱
- ۷- مجموعه آثار، پیشین، ص ۱۰
- ۸- آرشبو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ساواک آیت‌الله مطهری، کد ۶۱۲/ش ۷۷، ص ۲
- ۹- همان آرشبو، پرونده ساواک آیت‌الله مطهری، کد ۱۸۰/۱۱۸، ش ۴۱۲، ص ۸
- ۱۰- زندگانی و مبارزات استاد شهید مرتضی مطهری، تهران، انتشارات محمد، بی تا، ص ۴۷
- ۱۱- آرشبو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، همان پرونده، ش ۴۱۲، ص ۴۷
- ۱۲- همان، صص ۶۹، ۷۶
- ۱۳- مرحوم حاجت‌الاسلام سیداحمد حسینی‌همدانی از جمله دستگیرشدگان خرداد ۱۳۴۲ از هم‌بندیهای استاد بود که در دفتر یادداشت‌های استاد مطهری یادداشتی به شرح زیر نوشته است که برای بار اول منتشر می‌شود:
«حقیقت سربازی است آراسته هو و هوس، گرد برخاسته نیینی که هر جا که برخاست گرد نبیند نظر، گرچه بیناست مرد نورا تا دهمان باشد از حرص باز نیامد به گوش دل از غیب راز
یادگار ایام حبس در زندان موقت شهرتانی تهران به مناسبت قیام مقدس ملت ایران به پیروی از علمای اعلام علیه استعمار و نفوذ خارجی، که در خدمت دوست ارجمند جناب آقای سیداحمد حسینی ملابری و چهل و پنج نفر دیگر از رفقا هستیم، از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم مسلمانان را روز به روز بیدارتر و آشنا تر به مصالح عالی‌شان بفرمایند و شر استعمار و استعمارگران را از سرشان کوتاه بفرمایند. مرتضی مطهری، ۱۳۴۲/۴/۹ (خطرات حاجت‌الاسلام حسینی‌همدانی، تدوین رحیم نیکبخت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۷۵)
- ۱۴- زندگانی و مبارزات استاد شهید مطهری، پیشین، ص ۴۷
- ۱۵- خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، به کوشش علیرضا کمری.

تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۶۵

- ۱۶- زندگی و مبارزات استاد... پیشین، ص ۵۱
- ۱۷- آرشبو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، همان پرونده، ص ۱۰۷
- ۱۸- همان، ص ۱۱۸
- ۱۹- تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، قم، نشر دارالفکر، ۱۳۷۲، ص ۲۳۹
- ۲۰- سیری در زندگانی استاد مطهری، پیشین، صص ۷۲، ۷۷
- ۲۱- آرشبو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ساواک آیت‌الله مطهری، کد ۱۸۰/۵۵۸، ش ۶۸
- ۲۲- رک به: شهید آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی، یاران امام به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۶
- ۲۳- حمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، ۱۳۷۶، ص ۸۳۹
- ۲۴- آرشبو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ساواک آیت‌الله مطهری، کد ۱۸۰/۳۲، ش ۵۸۷، ص ۱۰. در یکی از اسناد پرونده اسناد آمده است: «در تاریخ ۴۹/۱۲/۱۲ گزارشی حاکی از مخالفت یادشده با رژیم به عرض رسید و تیمسار ریاست معظم ساواک دستوری به شرح زیر صادر فرمودند: «این شخص را همیشه مراقبت نمایند. عنصری غیر صالح و همیشه در جبهه منحرفین قرار گرفته است.» در اجرای اوامر ایشان مراتب جهت مراقبت از این شخص به ساواک تهران منعکس شد.» (همان آرشبو، پرونده آیت‌الله مطهری، کد ۱۸۰/۴۴، ش ۵۸۸، ص ۷۰)
- ۲۵- همان آرشبو، پرونده روحانیون مبارز خراسان، ش ۱۱۳، ص ۲۰۶
- ۲۶- استاد شهید به روایت استاد، به کوشش علی کردی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱
- ۲۷- همان، صص ۲۰۷، ۲۰۸
- در مورد فعالیت‌های شهید مطهری در حسینیه ارشاد اظهار نظری به شرح زیر از سوی مقامات عالی‌تر به ساواک در پرونده ساواک مندرج است: «پس از افتتاح حسینیه ارشاد، روحانی مذکور سخنرانی‌های خود را در حسینیه مزبور آغاز و در طول این سخنرانی‌ها که تا تعطیل شدن حسینیه ارشاد ادامه داشت با زیرکی خاصی موضوعات گمراه‌کننده‌ای عنوان کرده است. یادشده در تاریخ ۵۱/۱۱/۲۶ در جریان تظاهرات مقابل حسینیه ارشاد دستگیر و پس از مدتی آزاد گردیده است. نکته‌ای که در سوابق وی همواره مشهود است، معاشرت و ارتباط نزدیک این شخص با سایر واعظ ناراحت و روحانیون سابقه‌دار می‌باشد. پس از تعطیل شدن حسینیه ارشاد، مطهری مکرراً و به‌طور پیوسته در جلسات مذهبی مخصوص دانشجویان دانشگاه و مدارس عالی شرکت و سخنرانی کرده است.» (همان آرشبو، پرونده آیت‌الله مطهری، کد ۱۸۰/۴۴، ش ۵۸۸، ص ۷۱)
- ۲۸- همان آرشبو، پرونده استاد مطهری در ساواک، گزارش‌های متعدد.
- ۲۹- استاد شهید به روایت اسناد، پیشین، ص ۴۰۹
- در جمع‌بندی فعالیت‌های استاد که توسط اداره کل سوم ساواک صورت گرفته نکات جالبی وجود دارد که منجر به ممنوعیت منبر وی گردید: «با توجه به وضع مشکوک یادشده، از ساواک‌های مشهد و تهران خواسته شد که از اعمال و تماس‌های این شخص مراقبت‌های دقیق تری به عمل آورند و متعاقباً یکی از منابع مورد اعتماد ساواک مشهد گزارشی در اختیار گذارد که خلاصه‌ای از آنها ذیلا به‌عرض می‌رسد:
۱- در شهریورماه ۵۲، واعظ مذکور ضمن سخنرانی در سمینار دبیران علوم دینی اظهار نمود... بحث پیرامون آزادی، برای محیط آزاد خوب است که انسان آزاد حرف بزند... آزادی و تساوی زن و مرد وسیله‌ای برای بهره‌گیری از زنها است که اول از طرف سرمایه‌داران غربی و استعمارگران شروع شد و بعد به کشورهای دیگر سرایت کرد. عده دیگری که سنگ آزادی به سینه می‌زنند و زن را آزاد می‌خوانند، برای بهره‌برداری جنسی و شهوی است... آزادی و تساوی در منطق اجتماعات ما مطلبی جز فریب دادن و سوءاستفاده کردن از زن نیست.
۲- در تاریخ ۵۲/۱۰/۲۵ یادشده در محل دانشکده الهیات دانشگاه تهران ضمن گفت‌وگو با یکی از دوستانش و پس از اظهار تاسف از بازداشت سیدعلی خاتمی، اظهار نموده خاصه‌ای از عوامل موثر در روشن کردن افکار اجتماع بوده است. وی اضافه کرد: شیخ دیگری به نام غفاری را که از پیشنهادی تهران بود، در زندان سازمان امنیت کشته‌اند و کشتن او تبلیغ عجیبی علیه سازمان امنیت بود؛ زیرا خبر کشتن او به همه محافل دینی رسید و همه گروه‌های روشن بین فهمیدند و این عمل نفرت همه مردم را علیه

سازمان امنیت برانگیخت و قیافه آدم کشی این دستگه بار دیگر بر مردم کوچه و بازار آشکار گردید.

۳- در تاریخ ۵۴/۲/۲۳ یادشده با دو نفر از معاصرین خویش صحبت می‌نموده و ابتدا از این که اعلامیه‌هایی علیه حزب رستاخیز در محیط دانشگاه گردیده‌ایز خوشحالی کرده و گفته «... نباید دست روی دست گذاشت و بی‌کار نشست... در حال حاضر از ما، کاری به‌طور مستقیم بر نمی‌آید، چون روی ما حساسیت دارند. اما باید به‌طور غیرمستقیم کار کرد، به این معنی که افراد روشنفکر و خوش استعدادی را که در گوشه و کنار می‌توانیم پیدا کنیم و به وسایل مقتضی آنها را آماده کنیم تا ترتیب جلسات و سخنرانی‌ها را بدهند و مخصوصاً نسل جوان را دور خود جمع کنند و بعد در جهت فکری آنها را راهنمایی کنیم و مطالبی را که ما خود نمی‌توانیم با جوانان در میان بگذاریم، آنها بگذارند و در واقع گرداننده فکری جلسات، ما باشیم.»

ضمناً به هیچ‌کس نمی‌رساند تذکراتی که به مشارالیه داده شده در روحیه او به‌هیچ‌وجه موثر واقع نشده است.

بررسی‌های معموله
نتیجه حاصله از تجزیه و تحلیل اقدامات شیخ مرتضی مطهری حاکی از آن است که یادشده از سال ۱۳۴۲ تاکنون همواره در صد آن بوده که به اجزاء مختلف و با زیرکی خاص، به اقدامات روحانیون افراطی در مخالفت با رژیم دامن زده و ضمن سخنرانی‌های خلاف و از طریق فعالیت‌های جنسی و از جمله تالیف کتاب، عناصر متعصب مذهبی را نسبت به رژیم و انقلاب سفید هرچه بیشتر بدبین نموده و آنان را به سوی فعالیت‌های ضدامنیتی سوق دهد. پس از جلوگیری از تشکیل جلسات حسینیه ارشاد که قریب به اتفاق شرکت‌کنندگان آن دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی بودند، مشارالیه تصمیم گرفته که به سمپاشی‌های خود در بالای منبر ادامه دهد و به این ترتیب اگر این امکان را نداشت که دانشجویان را به حسینیه ارشاد نکشد، خود به دیدن آنها می‌رفت و آنان پس با برنامه‌ای پیگیر، در جلساتی که در مساجد و نمازخانه‌های دانشگاهها و مدارس عالی برقرار می‌گردید، جهت دانشجویان این مراکز سخنرانی کرده‌است تا بتواند اقدامات سوء خود را دنبال نماید.

نظریه:
با عرض مراتب بالا و این که: اولاً دستگیری روحانی یادشده موجب بزرگ شدن وی و بالا رفتن وجهه او در بین عناصر متعصب مذهبی و دانشجویان افراطی خواهد شد. ثانیاً قرار گرفتن این شخص در راس گروه فلسفه دانشگاه الهیات و اصولاً وجود وی در دانشگاه، با توجه به مقاصد سوء، این شخص، به‌هیچ‌وجه به مصلحت نمی‌باشد. ثالثاً ادامه سخنرانی‌های مشارالیه در محافل مذهبی صحیح نیست، علی‌هذا مستعدی است در صورت تصویب، اولاً به اداره کل چهارم اعلام شود که ادامه خدمت نامبرده در دانشگاه تهران به مصلحت نیست، ثانیاً با همکاری شهرداری کشور از ادامه سخنرانی‌های وی به ممانعت به عمل آید و مراقبت از او کماکان ادامه یابد. موکول به رای عالی است.» (همان آرشبو، پرونده آیت‌الله مطهری، کد ۱۸۰/۴۴، ش ۵۸۸، ص ۷۳)

- ۳۰- همان، ص ۲۶۰
- ۳۱- مجموعه آثار، پیشین، ص ۱۱
- ۳۲- مجله پیام انقلاب، شماره مسلسل ۱۸۶، ۱۳۶۶/۲/۵، ص ۱۷
- ۳۳- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب اول، تهران، سروش، ۱۳۷۶، ص ۵۱
- ۳۴- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۶
- ۳۵- همان، ص ۲۴۲
- ۳۶- روزنامه انقلاب اسلامی، ج ۶، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۷۲
- ۳۷- همان، ص ۲۴۶
- ۳۸- خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، پیشین، ص ۱۰
- ۳۹- استاد شهید مرتضی مطهری، یاران امام به روایت اسناد ساواک (عالم جاودان)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ص ۵۱
- ۴۰- سیری در زندگانی استاد مطهری، پیشین، ص ۱۲۵
- ۴۱- مجله پیام انقلاب، شماره مسلسل ۱۶۱، ۶۵/۱/۲۵، ص ۳۹
- ۴۲- تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۴۲۷
- ۴۳- سیری در زندگانی استاد مطهری، پیشین، ص ۱۲۹
- ۴۴- همان، صص ۱۳۶، ۱۳۵
- ۴۵- مجموعه آثار، پیشین، ص ۱۲